

کتاب کار فارسی علوی صفحه ۹۹ تا ۱۰۱



زِمِستان بود. بَرادَرَم از اِداره آمد.

راننده‌ای ساده، با بَسْتِه‌ای از مَرز آمد.

دَر بَسْتِه، نامه‌ای از نادر بود.

نادر دوستِ بَرادَرَم است.

او دَر مَرز سَرِیاز است.

نادر رَزْمَنده‌ای با ایمان است. دَر مَرز تیر می‌اندازد.

تَماسِ سودابه با نادر مَسدود بود. سودابه مادِرِ نادر است.

مادرِ نادرِ ترسیده بود. نادرِ زنده است؟

متنِ نامه این بود:

«مادرَم، آرامم، من زنده‌ام.

من ایران را دوست دارم. سرزمینِ ما زیبا است.

ما آماده‌ایم تا ایرانِ زیبا را آزاد سازیم.

ما تا ابد می‌ایستیم تا ایران را آباد سازیم.»

مادرِ نادرِ بوسه‌ای بر نامه زد.

نادرِ زنده بود!



کلمه‌های مناسب را از متن پیدا کن و در جدول قرار بده.

ه	~	=	!

یک کلمه در متن پیدا کن که در آن هم (=) وسط و هم (ه) آخر باشد.

۵ کلمه در متن پیدا کن که در آن «ای» مستقل آمده باشد.



۳ ترکیب در متن که با «ای» ربط، به هم ربط داده شده‌اند را پیدا کن و بنویس.



زیبا بنویس

زمستان
مدرسه‌ای

اداره
روزنامه



در هر یک از تصاویرهای زیر کدام یک از نشانه‌های «ش» آمده است؟ وصل کن.

